

پرسی اصلاحات ارضی در الجزایر

صفت مشخصه کشاورزی الجزایر از سال ۱۹۶۲، رکودی طولانی بوده که در سال روند توسعه کشور، نارساییها و پرمشکلهای جدی مانند: از میان رفتن خودکفایی غذایی، اختلافات فرایند مسان شهر و روستا، ایجاد محدودیت در جهت صنعتی شدن به علت عدم کفایت و کوچکی مساحت بازار داخلی و ... ایجاد کرده است.

بدین گونه، وابستگی الجزایر در طول سالهای اخیر، به طرز نگران کننده ای افزایش یافته و در حال حاضر، بیش از نصف مواد غذایی باید از خارج وارد شود. توسعه کشاورزی بی تردید با تکنیکها و ابزارهای نیرومند طبیعی روبروست. چنان که زمینهای حاصلخیز تنها ۳ درصد کل زمینهای کشاورزی تشکیل می دهد، سرعت رشد، کند و نامطمئن است و ... تولید کشاورزی نمی تواند پاسخگوی افزایش سریع تقاضا، که خود ناشی از افزایش جمعیت (۲/۴ درصد در سال یعنی بالاترین سرمت رشد جمعیت در جهان) است، باشد.

جدول (۱)

جمعیت (به میلیون نفر)

سرخ رشد ۱۹۶۲-۱۹۷۸	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۳	۱۹۶۶	
۵/۵	۱۷/۳	۱۶/۹	۱۳/۷	۱۱/۸	جمعیت کل
۲/۳	۱۰/۲	۹/۸	۹	۷/۹	جمعیت روستایی
۰/۸ (۵)	۷/۱ (۵)	۷/۷	۷/۶	۶/۳	جمعیت کشاورزی
	۵۷۰ (۵)	۵۷۸	۵۷۹	۵۸۰	درصد
۱/۶۲	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۲		مهاجرت روستایی در سال

A. Bouachouh, 1979, p. 19.

مأخذ:

۱- ۲۱ درصد کل واردات در سال ۱۹۸۰.

با این حال، نخستین مانع توسعه کشاورزی ساخت خودآن است. ناهمسانی میان فضای نوین بازرگانی و داد و ستد از یکسو و فضای سنتی محیطت از سوی دیگر. قبل از همه وجه مشخصه ارزشی عمومی است که با نظام خودگردانی (autogestion) اداره می‌شوند و درگذشت، جزو اصلاحات خصوصی کوچک و بزرگ شده‌اند. اما این تضاد در بخش خصوصی نیز وجود دارد و حتی در آنجا معاف می‌شود. انقلاب ارضی (RA) که در سال ۱۹۷۲ آغاز شد، هدفش از میان بردن همین آشفتگی‌هاست. سیرات دوره استعمار بود که در دوره چند ساله استقلال نیز هنوز با برجا مانده بود. "مستشاری" که طی ده سال به عبده تعویق افکنده شده بود، اکنون در دسترس روز فرارمی‌گردد!

اصلاحات ارضی

نظام خودگردانی مسئله ارضی و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در سال ۱۹۶۲ الحرام استقلال یافته، اقتصاد پدید آمد. بیرون‌گرا دارد، به طوری که چسب در زمینه واردات محصولات ساخته شده و وجه مورد صادرات بود. اواره، فرسایش وابسته به مرکب استعمارگر خویش یعنی فرانسه است.

محرومیتی که کشور بی‌ازدسال جنگ با آن دست‌بگیریمان است. مسئله‌ای عمیق‌تر دارد. تصور روز فرار می‌دهد و آن تعبیه مردم است. از سوی دیگر اصلاحات ارضی باید سریعاً انجام گیرد و مرجحاً - تعالیه منحصر - سه کمک تکنیکی در انواع سوله‌ها، کشاورزی و نیز افزایش میزان آن. بازارهای بازار داخلی تأمین شود.

اما به نظر نمی‌رسد که عبده رهایی بخش ملی الجزائر (ج. ر. م.) در وضعی باشد که نتواند پاسخ منجم و تأسیساتی برای مسئله ارضی پیدا کند. مفهوم اصلاحات، که در سال ۱۹۶۲ معرفی‌ار آن ارائه می‌شود، اساساً از برنامه‌های تدوین شده در جریان جنگ رهایی بخش ملی انجام می‌گیرد. "ج. ر. م." مدعی است که مافع خرده کشاورزان را با مالکان بزرگی سازش می‌دهد: مالکیت سومی به نام حفظ وحدت ملی موقت - بعد ست فراموشی سپرده شده و اصلاحات ارضی چیزی جز استبداد زمینهای که توسط استعمارگران تصاحب شده بود تلقی نمی‌شود. "عربشیا که سنتی بر خصمیت و اعدای نوازی (ژانوا و سجا، سزارخ دولتی) است. و نظام زمینهای سابق (که به صورت بخشش یا امتیاز بوده)، اشکال و انواع بهره‌برداری و اولویتیهای قابل شده برای اعلامی زمین (مزدگیران کشاورزی یا خرده کشاورزان) ... هیچک طیف‌بندی و منظم نمی‌شوند. اوضاع و احوال حالت فاصله‌یابی می‌گیرد، بدین معنا که عنوان مالکیت انحصاری که در مورد زمینهای مهاجرین فرانسوی پذیرفته شده بود، به زودی مفهوم دولتی شدن پیدا می‌کند.

☞

۴ — Concession: چیزی مانند زمینهای خالصه، اما در مورد مستعمره‌ها تنها منظور زمینهای است که دولت به جای جرس تبعه، کشاورسانی استعمارگر منتقل می‌کند. (م)

زمینهای که استعمارگران گذاشته ورفته بودند، "اموال بی صاحب" اعلام می شود و کارمندان و کارگران الجزایری آنها، زمینها را خودسرانه اشغال می کنند، و "کمیته های اداره" تشکیل می دهند. بدین گونه است که نظام خودگردانی زاییده می شود! سپس "ج. ر. م." با فرمانهای مارس ۱۹۶۳، سعی بر تعلق این زمینها به دولت، نظام خودگردانی را نهادن نمی سازد. آنگاه به منظور جلوگیری از تکه تکه شدن زمینها و مقابله با استقلال فقدان، کارها و نیروی انسانی متخصص، نظام متمرکز زمینداری تقویت می شود: ۲۲ هزار واحد بهره برداری به زودی به ۳۵۰۰ و سپس به ۲۰۰۰ واحد تولیدی کاهش می یابد.

بخش خودگردان کمتر از یک سوم اراضی را در اختیار دارد، اما در عرصه دارای حاصل خیزترین زمینهاست. این بخش ۲ درصد فعالیتهای کشاورزی و همچنین بخش اعظم ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی را در اختیار دارد. از قسمت اعظم سهمیه اعتبارات اعطایی بهره می برد و در مقابل تجمعی از فرآوردهای حاصل کشاورزی کشور را تولید می کند.

بخش خصوصی، به عکس، به حال خود رها شده و در سال ۱۹۶۲ و سپس ۱۹۶۶ هدف برنامه های اصلاحی بوده است. ولی این طرحها که وحدت و انسجام درونی "ج. ر. م." را مورد تشدید قرار می دهد، به ماسای و بدون تید و شرط به دست بر اوضاعی میرود، می شوند!

صنعتی شدن مسئله ارضی را دوباره مطرح می کند

رهبری تازه "ج. ر. م."، در سیاست توسعه، الحوازی، سازماندهی مجدد بسیار مهمی انجام می دهد، بدین معنا که سیاست صنعتی کردن نمودیر حاشین سیاست بی ملادر اولویت بخشیدن به کشاورزی می گردد. ملی کردن بخشهای کلیدی مانند "پاروگروهها"، معادن و صنایع شیمیایی که زیر سلطه خارجیا قرار داشتند، در سال ۱۹۶۶ آغاز و در سال ۱۹۷۱ پایان می یابد. اجرای برنامه ۳ ساله "۶۹ - ۱۹۶۷"، به منزله موتور محرک برنامه ریزی متمرکز می شود که بخش عمومی (صنعتی و کشاورزی) ستون فقرات آن را تشکیل می دهد.

زیر ساخت صنعتی کشور، با استفاده از ۵۲ درصد مجموع سرمایه گذاریهای برنامه ریزی شده، در واقع سهم بزرگتر را از آن خود می کند. کشاورزی فقط ۱۷/۶ درصد اعتبارات برنامه های را به خود اختصاص داده و از این نظر در حاشیه قرار دارد! کشاورزی که در راه صنعت قربانی شده، وضعی تابع پیدا می کند و دو وظیفه در برابرش قرار می گیرد: نخست آن که باید ارزش افزوده های را که از سال ۱۹۶۲ پیوسته ثابت و در حال رکود بوده افزایش دهد، و دیگری آن که ناگزیر محل خروج و مصرف محصولات کارخانه های ملی (از قبیل تولیدات تجهیزاتی و محصولات مصرفی بادوام) شود، و سخن کوتاه باید گامیابی مدل توسعه داخلی را تا همین و تضمین کند.

بخش خودگردان که متعزز و مکانیزه است ، تاکنون محل اصلی خرج و مصرف تجهیزات تولید شده (ماشین آلات کشاورزی ، کود ، محصولات دارو گیاهی) بوده است . با وجود این ، طرفیت جذب آن ، به علت ضعف تولید عناصری که بتواند ناشی از باسن بودن بازدهی کار است . محدود است .

در بخش خصوصی ، کوچکی و تنگ تنگ بودن زمینها ، خود مصرفی شدید که صفت بارز آن است ، دوام شیوه های سنتی کشت و زرع ، حرکت مانی برای بالا رفتن میزان تولید است . افزون بر آن ، برداشت پیش از موقع محصول واحد " پنجیک " (خمسه) ، به رغم لغو ظاهری آن شیوه ، عناصری را که می توانستند محل مصرفی برای فرآورده ها و نیروی تغذیه کننده صنعت باشد ، می بکند و تحلیل می برند .

هدفها

بنابر این توسعه کشاورزی مستلزم بیدار کردن ساخت امی ، فنون کشت و وسایات مالکیت است . از این روی اصلاحات ارضی که از سال ۱۹۶۲ م شروع مانده ، شرط لازم - هر چند ناگافی - برای موفقیت دوازم صنعتی کردن است . بدین گونه ، ماهه رسمی دولت ، " انقلاب ارضی " را به عنوان نوعی دگرگونی و انقلاب وسیع چند بعدی (فقهایی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، بوم شناسی ...) معرفی می کند .

انقلاب ارضی ، در کوتاه مدت و میان مدت ، در جریان مراحل اول و دوم - قبل از هر چیز بسک اصلاح ارضی است که مجموع بخش خصوصی را هدف قرار می دهد . این نوعی که کیفیت و شروط و بزای را در خود جمع دارد ، باید به ایجاد واحدهای بهره برداری مدرن که اندازه متوسطه ۲ هکتار دارند ، منجمد ، نامتواند محصولات صنعتی را حدت کرده و طرفیت ارتقا ، مطلوب را داشته باشد .

شعبه مستقیم آن ، تقسیم مجدد زمین باید سنگاری پنهان را در بخش کشاورزی - که بیش از یک سوم جمعیت فعال مردان را در بر می گیرد - کاهش دهد . این جمعیت در درجه اول مرکب از کشاورزان بی زمین (حدود ۷۵۵ هزار نفر) و با بسار کم زمین (۲۲۵ هزار مالک ، قطعات کشاورز هکتار دارند) است . منظور انقلاب ارضی که مضمون اجرای مد نظر کردن است ، از یک سو نخست امر این تولید و کار ، و از سوی دیگر گسترش بازار داخلی را هدف خود قرار می دهد .

سومین مرحله ، انقلاب ارضی در بلند مدت ، تنسيق و نظام بخشیدن به فضای روستایی است . هدف آن است که زمینهای با بر و کوبی ، دایر و ارزشمند گشته و بدین سان با افزایش خاک مقابله شود و همچنین سطح دایر و بری ارتقا یابد . از سوی دیگر به یک برنامه توسعه فضای طبیعی روستا ، که ساختمان هزار دهکده روستایی می باشد سر مشق آن باشد ، از مهاجرت های روستاییان و کشاورزان جلوگیری می شود .

جدول زمانبندی عملیات

مرحله نخست (ژوئن ۱۹۷۲ تا ژوئن ۱۹۷۳) ، مربوط به تصرف و تقسیم زمینهای عمومی است . به استثنای جنگلها ، این گونه اراضی ، مبارتننداز : زمینهای دولتی ، اراضی منابع ، زمینهای کمره طور منابع در اختیار عشایر بوده و اغلب چراگاه و مرتع است . وزیر املاک و مستوفی که با نظام متفاوتی مسوورد بهره برداری قرار گرفته و تابع قوانین و حقوق اسلامی هستند . هدف اصلی زمین در این مرحله ، توسعه "SAL" است ، که غیر از زمینهای عشایر ، مساحت آنها حدود ۶۵۰ هزار هکتار است .

مرحله دوم (مارس ۱۹۷۳ - ژوئیه ۱۹۷۵) هدفش اساساً "یک ملی کردن زمینهای است که مالکشان غایب هستند و دیگر تحدید املاک بزرگ و متوسط است (خواه بهره برداری از این املاک به صورت اجارهای باشد یا تزارعه مثل پنج یک ، یعنی درحقیقت چه به صورت مستقیم مورد بهره برداری قرار گیرند یا به صورت منابع) . بنابراین از این نظر مسئله عبارت است از یک مو حذف سیستم اجاره داری ، و نتیجه "سیستم آن نظام پنج یک ، و از سوی دیگر ایجاد واحدهای بهره برداری "متوسط" که برای کشت معنی با بهره دهنی فراوان (Intensive) مناسب است .

مرحله سوم (ژوئیه ۱۹۷۵ - ...) مربوط به زمینهای سایر (از جمله زمینهای مورد استفاده جمعی است که بیش از ۱۰ درصد سرزمین الخوایز را در بر می گیرد . هدف این مرحله آن است که از سیستم حق مرتع ، که مسئول تاخیر زمینهاست تاخیر شده ، جلوگیری به عمل آید و روش این کار ، استقرار شکارها و قواعدی مربوط به تراکم و بهبود دانداری است که ایجاد آنها و دانداریها و مواضع مخصوص آن ، و ... تشخیص داده شده است .

هدف دیگر این مرحله ، بی آن که هیچ روز ، نقد ملی کردن توابع و سهام جویایی درمان باشد ، آن است که تراکم هرگله را به ۲۰۰ رأس کاهش دهد (۵۰ درصد از ۱۵۰ تا ۱۷۰ هزار دامدار ، تمامی از ۱۲ میلیون گوسفند و میش را مالک هستند) ، انتشار رسمی قانون جویایی باید به نحو "عزل" (Azil) که معادل همان سیستم پنج یک زراعی (جمعیت) است - بینجامد ، و ایجاد تعاونیهای دامداری (CEPRA) را تسهیل کند .

نظامهای مالکیت و چگونگی حق انتقال زمین

انقلاب ارضی می خواهد نظامهای با هماهنگ و ناموزون (حقوق عرفی و شرعی) اداره بهره برداری از زمین را ، مکانیکی بخشد . ساخت و ترکیب ملی مسوی اراضی و ثبت املاک ، به زمین "شناسنامه" ای املا می کند و بدان منزلت کالایی می دهد . با این همه ، تنظیم نظام نوین ارضی که بدین گونه سپارده شده ، اساساً با دولت است . دولت به مالکیت فردی (با تعلق شده توسط فرد) بخش خصوصی توجه دارد ،

اما آن را کنترل هم می‌کند. از سوی دیگر دولت به مالکیت بخش "انقلاب ارضی" نیز عنایت بسیاری دارد.

مالکین خلع بد شده، فراموشی به شکل اوراق رسمی خزانه‌داری، برحسب سانسهای اطمینان بخش هیئت حاکمهای که احتراز خود را به مالکیت فردی تصدیق دارند، دریافت می‌کنند. با وجود این، ارزش خسارت پرداختی چندان برای دولت‌گراں تمام نمی‌شود، و سطله^{۱۵} آن را بر سرمایه‌های توزیع شده فوق تعیین می‌کند. در واقع ۲/۵ درصد سود طی ۱۵ سال به این اوراق تعلق می‌گیرد که ارزش واقعی آنها به علت وجود نرخ تورم بسیار بالاتر پیوسته روبه کاهش است.

همان‌طور که، چه در مورد تعدد زمینهای بخش خصوصی و چه در مورد سانسهای گدازان بخش گرفته شده و به بخش "انقلاب ارضی" جدید التاسیس واگذار شده، همانا در آید بکنه درواحد بهره‌برداری توسط دهقان یا شغری زمین گرفته است. هدف و اساسی مناسب منطبق در آمد، مرشد مالکیت توسط است: "انقلاب ارضی" می‌خواهد بدین طریق حیث "شیوه تولید کشاورزی مردم" را در برابر نظام روبه گسترش بازرگانی... تسهیل کند.

هر در زمین گرفته شده، مورد نظرماید، چه هنگام نامزدی وجه هنگام بحایه، کشاورزیانند، شرایط جسمانی لازم را برای کار کردن داشته باشد و همچنین فاقد زمین و امداداری زمین ناگهانی باشد. ظاهراً شرایط به روشنی تعیین شده‌اند. با این همه، دهقانان غریبه با نامدون زمین مجموعه، نااهنگی را تشکلی می‌دهند: گاه بزرگاری هستند که بر اساس مزایع و وسیع کار می‌کنند و گاه به کشتکاران فعلی تبدیل می‌شوند... بدین سان، مسئله‌سندی، و در نتیجه استعجاب نامردها، کاملاً تصادفی است. گذشته از آن، سوسه‌های شهدا و برخی از روزندگان سابق، بدون آن که مستفین از خویشاوندی برایانه حساب آوریم، می‌توانند مدعی سببی برای خود باشند، که البته این امر با روح تقسیم مجدد زمین مغایرت دارد.

گرددگان زمین مکلفند در تعاونهای تولیدی (CAPRA) با واحدهای بهره‌برداری مشترک (CAEC) و با درگروه‌های "پیش از تعاونی" عضو شوند، تعاونیها و گروه‌های آنها، چه در سطوح بالا یا پایین، وابسته به دولت هستند. تا همین مواد اولیه و نقدیه واحدها بر خیزده، تعاونیهای چند وظیفه‌ای خدماتی (CAPCS) است، تا همین مالی را با یک پلی الحزایر عهده‌دار است. مواد ادرات و مراکز عامی هم به توزیع و صادله محصولات تولید شده می‌پردازند.

اعضای تعاونیها فقط حق انتفاع از واحدهای بهره‌برداری را دارند. اما از سوی دیگر (مانند سایر ایداران پدید آمده در مرحله سوم) از امتیازاتی کنشانی از منزلت و موقعیت آنهاست مانند: قانون

۱۵- صفت باور این نوع زراعت به عقیده: "M. Rutelman, in op. Cit, P. 53-55" عبارت است از سرمایه‌دنی ناچیز، واحد بهره‌برداری بسیار کوچک و خود مصرفی شده.

کار، تا بین اجتماعی، اشتباه‌های متعلق به حداقل دستمزد و ... سود می‌برند. توسعه پایداره
پردوری، به گسترش بازار در محیط روستایی بستگی دارد.

طرح سیاسی واتحاد طبقاتی

بسیار شایان توجه است که پیشرفت کشاورزی "متوسط" - که در طرح انقلاب ارضی - "مردون"
توصیف شده - مصادف و همزمان است با منشی پذیرفته شده توسط بانک جهانی که به اینست ماسلان
و مدیران کوچک سرمایه‌دار را در روستا توسعه و تشویق می‌کند. این همزمانی تصادفی نیست، و هدف
مورد نظر در این جایز گاهش تشبیهای اجتماعی در محیط روستاست.

با وجود این، با توجه به این که موقعیت‌الحرار ابعاد انفجاری برخی نظامیای اعتمادی آمریکای
لاتین را ندارد، قیاس نامحدود می‌نماید. به علاوه هدف "ح. ر. م." نیز، گسترش جهشوار کشاورزی
نست. "انقلاب ارضی" فقط سطح محدودی را در سرمایه‌گرد - حدود ۲۵ درصد - که دولت نیز
خود را قایل، جز تا "به طور رسمی مالک آن بوده است. در هر حال یک اصلاح محدود ولی تفریحی،
مستلزم آن است که کشاورزی مورد توجه حامی قرار گیرد، که البته تصادفاً تاکنون چنین شده است.
چراکه درآمد نفت، جای ارزش افزوده کشاورزی بانوان کشور را گرفته و در عین حال، هم سرمایه لازم را
برای صنعتی کردن، و هم آرز ضروری را برای واردات مواد غذایی، فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، انقلاب ارضی همچون دارویی برای یک حالت بحرانی ایجاد نیست، بلکه بیشتر
واکنشی است که هدفش پیش‌گیری از بروز یک بحران بالقوه است. اصلاح انجام گرفته در کشاورزی،
درواقع به منظور صنعتی کردن اجباری بوده و برای تکرار شده آرزو و عهده و کین، و این همه می‌توانند
موجب برخورد تشبیهای اجتماعی گردد. در واقع شهرنشینی شیوه زیست ظاهر - بسیار پرحادثه است
که روستاییان، دستکم به عنوان ارتش ذخیره صنعتی، از آن ذررد شده‌اند. هیئت حاکمه با وعده
"محو استعمار انسان از انسان" (که کتابه است به سامع مالکین ارضی)، و سایر وعه‌ها با اهداف
مشخصی مانند توزیع درآمد نفت به شکل تشبیهای اجتماعی، در حقیقت صلح اجتماعی را در روستاها
خریداری می‌کند، برگشت درآمد های مستقل شده، مستقیماً "طلول توسعه و تحول مصرف در روستاست ...

از جانب دیگر، انقلاب ارضی در برابر دانشجویان نیز، که نسبت به قدرت حاکمه زیاد انتقاد
می‌کنند، به عنوان وسیله و سلاخی به کار می‌رود. طرح "داوطلبان دانشجو" آنها را از دانشگاه دور
می‌سازد. در این طرح، دانشجویان در "اتحاد ملی جوانان انجمن" (UNTA) گرد آمده، به روستاها
اعزام می‌شوند و تبلیغات برای "ح. ر. م." می‌پردازند - چند مالک نافرمان را مورد سرزنش قرار
می‌دهند، و بدین ترتیب بنداری از یک حبش بزرگ همسنگی ایجاد می‌کنند.

سردهی می‌شود. اجرای اصلاحات برآمده، سازمانهای اداری است که در نهایت نگاه مراجع تصمیم‌گیری به شمار می‌روند. تلاش دولت آن است که "انقلاب ارضی" مبرم در کمری بزرگی میان کشاورزان و مالکین نشود. - فشار به مصالحه می‌کند، به گروهی وعده، کاری دهد، به گروهی دیگر توصیه می‌کند از امتیازات طفیلی‌گانه (مایدی) خود دست بردارند و در توسعه صنعتی کشور شرکت کرده و "م. ر. م." را تقویت و پهنایی کنند. سازش و ارتداد آشکارا در سانات رسمی دیده می‌شود: "انقلاب ارضی نباید نشانه و مظهر همبستگی باشد نه ساززه طیفاتی" (بومدین) ۶.

آزمایش واقیبات

اصلاحات ارضی نامتسام

۱- مرحله اول کاساسی سرچی دارد. تصرف زمینها از نظر قضایی مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند: در اکثر موارد دولت خود از قبل مالک بوده و معضلات در راستای تخلیه مراتع از گله‌هایی است که به طسور افراط توسط دادداران در آنها مستقر شده‌اند. در همان سال نخست (۱۹۷۴)، "مصدوق ملی انقلاب ارضی" (۳.۹.۵.۸) مار ۲۰۰ هزار نایرد دریافت و اعلام می‌کند که ۵۰ هزار خراها موفق به اخذ زمین می‌شوند.

ما این حال، زمینهای شت و ایلزگیری شد، چنان‌که باید کاملاً توزیع شده‌اند: ۱/۵ میلیون هکتار از ارضی حسی تخصص یافته توسط دولت، بی‌باید در اختیار متابر گذاشته شود. متابراین ارضی را در واقع از دولت به امانت می‌گیرید، و در کار آن تنویق می‌شوند که "عناوسهای داصداری" (GEPR) تشکیل دهند.

به استثنای اموال و قبی. زمینهای مرحله اول غالباً با بر و لم بزوع بوده یا با زوری ناچسری دارند و مادر جاهای ناساسی قرار گرفته‌اند. متابراین مسئله آن است که این زمینها قبل از بهره‌برداری، تحت اوزتند و آمانت شود. در این زمینه ظاهراً بیشتر کارها نسبتاً کند است: SAU حدود ۶۵۰ هزار بر ۸۰۰ هزار هکتار اصلاح شده زادر تا ساسز ۱۹۷۹ نشان می‌دهد.

اما هیچ‌گونه گرایش برای به حرکت درآوردن مستقل کشاورزان وجود ندارد، و خواسته‌های ایشان از طریق "انسان ملی دهقانان الجزائر" (DMPA)، که موسسه "م. ر. م." ایجاد شده، هدایت و

جدول (۲)
اراضی اعطای شده در مرحله اول

شماره گانه زمین	(SAD)	مساحت اراضی توزیع شده	
۵۰۰۴۰		۷۳۰۷۵۶ هکتار	۱۹۷۲
۵۴۳۱۸	۶۰۰۰۰۰ هکتار	۷۸۸۲۸۲ هکتار	سپتامبر ۱۹۷۵
		۸۰۹۷۷۵ هکتار	مارس ۱۹۷۷
	۵۰۰۰۰۰ هکتار	۸۰۳۱۰۲ هکتار	دسامبر ۱۹۷۹
		۹۴۳۳۵۷ هکتار	ژوئن ۱۹۸۱

El Moudjahid, Algérie-actualité, révolution africaine. ماخذ :

۲- مرحله دوم: مرحله ابتدایی اصلاحات است. ماسی تا توزیع مجدد بهره برداریهای بخش خصوصی، مالکیت بزرگ ارضی و سرزمینهای مالکین غائب را مستقیماً تجدید می کند. که البته اراضی اخیر وسعت چندانی ندارند. نهجیت متمرکز سازی، که بر ساخت کشاورزی اثر می گذارد، باید متوقف شود.

جدول (۳)
ساخت بخش خصوصی کشاورزی در سال ۱۹۷۲

سطح بندی مساحت	تعداد واحدهای بهره برداری (%)	مساحت (۱۰۰۰ هکتار) (%)	
۱ تا ۱۰ هکتار	۷۹/۲	۱۵۳۱/۵	۲۹/۷
۱۰ تا ۵۰ هکتار	۱۸/۹	۲۲۲۴/۶	۴۷/۷
۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۹۸/۱	۳۹۷۵/۲	۷۷/۴
۱۰۰ تا ۵۰۰ هکتار	۱/۳۷	۶۰۰/۲	۱۱/۶
بیش از ۱۰۰ هکتار	۶/۲۷	۵۴۲/۲	۱۰/۹
بیش از ۵۰۰ هکتار	۱/۸۲	۱۱۶۲/۲	۲۲/۵

A Benachenou, 1979, P. 24. ماخذ :

اعداد ۱/۵ میلیون هکتار متعلق به ۵۰ هزار مالک (۳۴۰۹۶ مالک نامی که ۲۲۳۰۵۷ هکتار زمین دارند و ۱۵۹۹۶ مالک رسنهای نامی تعدید که دارای ۱۰۰۵۱۰۸۵۵ هکتار زمین هستند) عرشی از

برنامه "کمیسون ملی انقلاب ارضی" (CHRA) است.^۷

با توجه به تخمین فوق، و این که "چنگالهای"^۸ تحدید تنها مالکیت بیش از ۵۰ هکتار را شامل می‌شود، مشاهده می‌کنیم که تاثير مرحله دوم نسبتاً ناچیز محسوس می‌رسد.

به طور کلی، از آغاز اصلاحات تاکنون، سطح اراضی استردادنی نخستین بالاست، سپس کاهش می‌یابد و آنگاه ثابت می‌شود و بعد نیمی از آنچه "کمیسون ملی انقلاب ارضی" پیش‌بینی کرده بود می‌رسد. تعداد مالکین مشمول مرحله دوم تقریباً به برابری است!

جدول (۴)

توزیع مجدد زمینها در مرحله دوم

واحد = هکتار

تحدید نشده	مابقی نشده	مالکین مشمول	مساحت اراضی اعطای شده	مساحت اراضی اعد شده	
		۱۰۲۶۹	۳۵۰۰۰۰	۴۷۶۲۸۲	اوت ۱۹۷۲
		۲۱۸۲۶	۳۸۷۷۶۵	۵۳۷۱۶۹	اوت ۱۹۷۵
۵۱۲۳	۲۲۲۲۳	۲۷۲۶۶	۵۰۳۲۲۶	۵۶۰۲۲۳	دسامبر ۱۹۷۹
		-	۲۹۸۳۲۱	۵۳۶۸۰۵	ژوئن ۱۹۸۱*

* - روزنامه "المجاهد" در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۸۱، بدون ذکر منبع، از رقم ۲۵۶۱۰۰ هکتار اراضی ملی شده و ۴۶۲۵۰۰ هکتار اراضی تحدید نشده، یاد می‌کند.

منبع: El Moudjahid, Algérie-actualité, révolution africaine.

واحد:

دو علت مهم اختلاف سال بین سببها و منابع است: افزایش تعداد مالکان ثابت، و تفاوت مالکان مشمول تحدید.

این تفاوت ابتکارها بسیار مؤثر واقع می‌شود و مالکان در اغلب موارد موفق می‌شوند واحدهای بهره‌برداری را که به وضوح بیش از (دو برابر و گاهی چهار برابر) شد اکثری که به وسعت "چنگالهای" تحدید دچار دانسته شده، مساحت دارند. به بازی سودجست از شیوه‌های گوناگون، برای خود حقیقت کند. مقررات قانونی پیش‌بینی شده توسط دستورالعمل "انقلاب ارضی"، تاثير نه‌چندان ارضی متاع - که حدود نیمی از اراضی است - و تعیین بهای بیشتر در مورد کودکان تحت تکفل (بیش از ۵۰ درصد -)

۷- A. Herat, op. Cit., p. 137.

۸- J.C. Kereenty, article in Hérodoteo

جمعیت روستایی کمتر از ۱۶ سال دارد) است. خودداری از ابزار حقیقت، در مورد اموال غیر منقول، فراوان است، و از طریق اصلی و کالتی (از سوی اطفال) انجام می‌شود و این عمل با نادیده گرفتن همدستی شورای شهرداری (APCE) صورت می‌گیرد که در درون آن مالکان هم بصورت دارند. و سرانجام، از دیدگاه مراجع به دستگاه قضایی به آنها امکان می‌دهد که در بیش از یک چهارم موارد به خواسته خود جامه عمل بپوشاند.^۹

همسنگی بومی منطقه شده قبلی توسط "ح. ر. م." با واکنش چندین مساعی روسرو می‌شود: زمینهای بخشیده شده به "مندوق ملی انقلاب ارضی" (FIRA) (وسر مساحتها) از ۹۰ هزار هکتار تجاوز نمی‌کند. قسمت اعظم این اراضی توسط اعیان^{۱۰} دستگاه دولتی تقدیم شده و با این کار خواسته‌اند سرخشی اراده داده باشند.

۳- انقلاب ارضی "بصورت استقرار یک تأویکنداری مترقی پیش می‌راند. چرا که تاکنون وحدت نظام زمینداری، نظام بخشیدن به مصالحه نامها و تسلیم وضع ارت و ورته^{۱۱} عملی شده است.

بسیار اگر حقوق ارضی نامشکر یک سبب و اثری در جهت برداشته کردن فراینده، سرمایه‌دارانه است، باید چشم به راه نتایج واقعی عملیات باقی‌مانده. به علت عدم قبول عضو بیشتر از میان طبقات کوچک متعدد و برآوده، مساحتی و توزیع محدود سپهر ارضها همچنان سطحی و کم تاثیر است، و این جزفاً می‌تواند علت تفاوت میان مساحت بازمانده شده توسط "مندوق ملی انقلاب ارضی"، وسطی که به اراضی توزیع شده، را توضیح دهد. مساحت زمینهای بخش "انقلاب ارضی" و سرورند SAU (سنگریه به جدول ۵) ظاهراً محدود به نظر می‌رسد، زیرا در مورد اعیان ارضی مرحله اول به محدود دو سوم مجموع مساحت این بخش را تشکیل می‌دهد^{۱۲} - ناتوانی بسیار وجود داشته است.

اندامات انجام شده در مورد ساخت دهی مجدد ناگهانی است. با این رسمی عملیات دو مرحله اول "انقلاب ارضی"، ناظر بر ایجاد یک بخش همه تعاریفی است. این بخش حیرت با بخش "خودگردان" بخش وسیع عمومی رادرفکواروری تشکیل می‌دهد. توزیع زمینها بر حسب وضع آنها تعیین می‌ماند: در سال ۱۹۷۱ بخش خصوصی ۷۱ درصد SAU و بخش خودگردان ۲۹ درصد (SAU = ۷۸۱۳۰۰۰ هکتار) آن را در اختیار داشت، در ۱۹۷۹ بخش خصوصی ۵۸/۶ درصد SAU را از آن خود می‌کند حال آن که

۹- بطرح مورد دعوی مشخص نشده است. P1 'oudtahid, art, Cit...

۱۰- در مورد اموال غیر منقول، دولت نوعی حق تقدم در خرید قائل است.

۱۱- به منظور جلوگیری از تشکیل مجدد مالکیتهای بسیار کوچک و برداشتن بیشترین محصولات با وثیقه‌ها.

۱۲- این بجز: "Révolution africaine" مورخه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ (بدون ذکر نام) خد) است. در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱، میزان زمینهای بازمانده شده (۱۰۹۹۱۲۰ هکتار) ظاهراً فقط سه چهارم کل زمینهای کمی‌بایست گرفته‌شود (۱۲۵۵۵۵۱ هکتار) را در بر می‌گرفت و بدین گونه داده‌های جدول ۵ ناسی می‌شود.

که بخش عمومی (خودگردان و تعاونی) ۲۱/۱ درصد^۳ را در اختیار دارد (SAU = ۷۴۹۶۰۰۰ هکتار).

جدول (۵)

تقسیم دوره‌های اول و دوم

گيرندگان عمومي	کل گيرندگان زمين	مساحت تقسيم شده (هزارهکتار)	
(۱۲۹۲)	۸۲۸۲۳	۱۱۷۶	سپتامبر ۱۹۷۵
(۲۵۸۴)	۸۲۰۵۰	۱۱۱۹	به ۱۹۷۷
(۷۲۸۱)	۸۲۱۱۱	۱۲۶۲/۶	مارس ۱۹۷۸
(۱۲۹۰۸)	۹۷۹۶۹	۱۲۹۲	دسامبر ۱۹۷۹
(۱۳۶۹۷)	۹۴۲۳۰	۱۳۳۸/۶	دسامبر ۱۹۸۰
(۱۶۹۸۳)	۹۶۹۹۹	۱۴۲۲/۱	ژوئن ۱۹۸۱

منبع: El Moudjahid: Algérie - actualité, Révolution africaine.

بازدهی ضعیف

۱- به نظر می‌رسد مکانیزه کردن و مصرف کود در بخش انقلاب ارضی، با توجه به الگوی استفاده از سرمایه متمرکز و مراکز که توسط بخش خودگردان ارائه می‌شود، ناکافی به نظر می‌رسد. با این همه، نسبت به بخش خصوصی، تجهیزات (ماشین‌آلات، مواد خام و غیره) کم است. (مجموع ناشی) در سطح بالاتری قرار دارد.^{۱۴}

اما ضعف بازدهی در SPA وجود دارد. بازدهی، نسبت به بخش عمومی به ویژه در مورد سبزیجات، صیفی‌جات و مرکبات، کمتر است و در ریشه، دلات نیز محسوساً در سطحی معادل و یا بسیار پایینتر قرار دارد. در حقیقت، مقایسه بازدهی کشت ملبوه مصنوعی و گیاهان صنعتی بالاتر است که البته این نوع محصولات پربینترین سطح را در SAU دارند.^{۱۵}

شکل توزیع اراضی، جز در مورد باغداری هیچ‌گونه گرایش به سوی کاشت تخصصی نشان نمی‌دهد. در ضمن حال، روشهای کاشت سنتی، مثلاً "نظام آتش‌مکات"، حفظ شده است (این‌گونه زمینها هنگام آتش در اکثر موارد نگاهت به حال خود رها می‌شوند).

۱۳- بنابر: Statistique agricole (Série B).

۱۴- بنابر: Annuaire Statistique de L'Algérie, 1979, P. 213, 218, 220. با توجه به داده‌های بسیار زیاد تخمین نظری امکان ندارد.

۱۵- همان، صفحات ۲۳۶ و ۲۳۸، بازدهیهای ظاهری، بیش از اندازه ایزمانی شده‌اند.

جدول (۶)

توزیع SAU و GRA (در هزار هکتار)

۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	
۵۲۶	۵۰۸/۶	۴۸۶/۱	۵۱۶/۶	۴۴۵/۳	۴۳۱/۹	۲۲۲/۲	کشتهای گیاهی
(۵۰/۷)	(۵۰/۵)	(۴۸/۳)	(۶۰/۵)	(۵۱)	(۴۹/۴)	(۴۲/۶)	(% SAU)
۲۳۸/۱	۲۲۲/۴	۲۵۹/۳	۲۸۲/۷	۳۷۸/۱	۳۱۱/۴	۲۷۶/۹	آبش
(۴۲/۳)	(۴۲/۲)	(۴۵/۷)	(۳۳/۱)	(۴۲/۳)	(۴۶/۳)	(۵۲/۶)	(% SAU)
۱/۳	۳/۵	۲/۵	۲/۲	۱/۷	۰/۴	۱/۲	مرتفع
۸/۸	۹/۲	۹/۸	۹/۹	۹/۵	۷/۲	۶/۶	تاکستان
۶۱/۸	۵۹/۹	۴۷/۹	۴۳/۳	۳۷/۹	۲۱	۱۷/۲	باغداری
(۵/۹)	(۵/۹)	(۲/۷)	(۵)	(۴/۳)	(۳/۱)	(۳/۳)	(% SAU)
۱۰۳۶	۱۰۰۵/۶	۱۰۰۵/۶	۸۵۴/۸	۸۷۲/۶	۶۷۲/۲	۵۲۶/۲	SAU

Statistique agricole (Série B).

ماخذ :

۲- عوامل متعددی سن این سبزیکی ضداد و عمر مفادی هستند . کیفیت صفت و پراکندگی سطحات زمتهای امضا شده ، علل عینی ای هستند که بیش از این یاد کردیم . اما یکی از علل اصلی ، چه در پیشرفته ترس وجه در پس مانده ترین شیوه ، تولید ، سازمان بندی نادرست تعاونیهاست .

- در بهترین شیوه ، تولید ، اگر حجم ماشین آلات تغذیه کننده و میزان سرمایه گذاری ، باهمه ، و فور سی شان ، ناگانی باشد ، باز سازماندهی و کیفیت کار است که اساساً " پایش می نلند ، چرا که تعداد مهندسان ، تکنیسینها ، رانندگان ماشین آلات کشاورزی ، حسابداران و ... بسیار ناچیز است .

اعضا ، تعاونیها که فقط به انتقال و طبقه خود رها نده اند ، همگی بسر تولید گرایانه ای را که وجه منجمه " انقلاب رسانی " است بر می گیرند و تعاونیهای تولیدی (CAPRA) را ترجیح می دهند . این گرایش برای رشد مساحتی قابل اعطاسی که برای آموزش کبار حسی مفیدتر هستند ، مانند تعاونیهای بهره بردارهای مشترک (CAEC) و گروههای احیا کننده زمین (GMV) زیانمند است . تعاونیهای تولیدی انقلاب ارضی در زون ۱۹۸۱ - بسر از مسئولین مردمی دریافت رسن - ۸۵/۵ درصد امضا ، تعاونیها را در خود گرد آوردند !

جدول (۷)
تعاونیه‌ها (مرحله اول و دوم)

GMV	CAEC	(%)	CAPRA	جمع	
۳۵۶	۸۲۲	(۵۳/۸)	۱۳۹۷	۲۵۹۵	اوت ۱۹۷۳
۷۷۳	۸۰۱	(۶۸/۹)	۳۳۹۹	۴۹۷۲	ژوئیه ۱۹۷۵
۹۲۶	۵۸۱	(۷۴/۳)	۲۳۵۲	۵۸۵۹	مه ۱۹۷۷
۵۲۲	۸۸۷	(۷۲)	۴۸۹۲	۶۶۰۳	اکتبر ۱۹۷۹
۳۱۲	۲۷۲	(۸۶/۲)	۴۹۳۸	۵۷۲۲	دسامبر ۱۹۸۱

El Moudjahid:Algérie-actualité.Révolution Africaine. ماه خد :

مشاهده می‌شود که شمار تعاونیه‌های دیگر روبه سوی کاهش دارد. حال آن که تعداد تعاونیه‌های تولیدی (CAPRA) با نسبت ثابتی ماند. در نتیجه، به علت افزایش تعداد کل اعضا، تعاونیه‌ها، شمار متوسط اعضا، در هر واحد تولیدی بالا می‌رود.

بر اساس سالهای ۶-۱۹۷۵، بیشترین تعداد واحدهای تولیدی سال ۱۹۸۰ عضو دارند - یعنی ۲۱ درصد کل - و ۲۵/۶ درصد مساحت کل زمینهای تعاونیه‌های تولیدی (CAPRA) را از آن خود ساختند. در طبقه بندی مساحتها، واحدهای بهره‌برداری ۲۰۰ تا ۲۹۹ هکتاری - یعنی ۲۵/۸ درصد مساحتها - شمارشان از همه بیشتر است و ۲۵ درصد تعداد کل تعاونیه‌های تولیدی را تشکیل می‌دهند. ۱۶

سجده آنکه، تعاونیه‌های تولیدی از نظر تعداد، وسیع‌ترین سطوح وسیع خود، سرزمین، و فروسای دارند... اداره آنها دارای مشکلاتی است و تعداد بهره‌برداریهای ناماندنی و غیرقابل بهره‌که اکثراً باید بازسازی شوند، فراوان است. (بگرید بعد).

در پست‌ترین‌شده تولیدی، برخی‌نهای حداقل محصولات کوبانگونی که توسط ادارات بازرگانی تضمین شده و تعاونیه‌ها اجاراً فرآورده‌های خود را به آنها می‌فروشند، بسیار ناچیز است. علت این عمل آن است که کمترین قیمت برای تعدیه شهرها تعیین شده و از بازارترین دستمزدها که قابل تورم است جلوگیری شده باشد. در نتیجه، به رغم متوقف ساختن موقتی‌بهای مواد تعدیه‌کننده صنعتی، بهسای کالاهای صنعتی کاهش یافته و منجر به کاهش تولیدی خالص واحدها می‌شود. تحول تعداد تعاونیه‌های صرف، در رابطه با تعداد کل تعاونیه‌ها، گرایش به سوی رشد دارد. ۱۷

Annuaire..., P. 204.

El Moudjahid, art, Citée

۱۶

۱۷

نسبت تعاوندهای مصرف از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹

۱۹۷۳-۷۲	۳۳۵	۱۹۷۶-۷۷	۳۷۲
۱۹۷۲-۷۵	۳۲۹	۱۹۷۷-۷۸	۳۲۱
۱۹۷۵-۷۶	۳۶۲	۱۹۷۸-۷۹	۳۵۰

۱۸

آنگاه دولت به حیران مالی گریست و قوربان فرایند بخش آغلا ارمی که ماسی از افزایش هزینه‌های پرداختی است^۱ می‌پردازد. اگر امتیازات املاکی را در محاسبه هزینه‌ها وارد کنیم - شرح کارایی (تولید) مجموع بخش، تعادل به کاهش پیدا می‌کند.^۲

نرخ کارایی از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹

۱۹۷۳-۲	۰/۶۶	۱۹۷۶-۷	۰/۷۹
۱۹۷۲-۵	۰/۸۲	۱۹۷۷-۸	۰/۷۷
۱۹۷۵-۶	۰/۹۶	۱۹۷۸-۹	۰/۵۸

انرژیش اشتغال و ازدیاد دستمزدها

۱- در این زمینه هدف آغلا ارمی آن بود که بستاری بهمان رسانند برای روستا را شاهد بسیار، و به ویژه در فعالیتهای کشاورزی، کاهش دهد. خصوصیت ساخت جمعیت فعال در بخش خصوصی، به خصوص در بهره‌بردارسهای کوچک (کسب‌زار ۱۰ هکتار) منتهی است بر کار موقت یا بدون دستمزد.

جدول (۸)

توزیع فعالیتهای بخش خصوصی

۶۶۷۶۸۰	ا.م.م.
۳۵۲۲۰	کارگران دائم
۲۹۲۵۸۰	کارگران موقت
۶۱۷۳۳۰	کنکهای خانوادگی

منبع: A. Benachou, 1979, P. 44, 46. Recensement Général de l'Agriculture, 1973.

□

۱۸- زبانی برابر ۱۵٪ میان سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹

۱۹- امتیازات قابل شده برای اعضا تعاونیها و نیز هزینه‌های تجهیزات.

۲۰- ماه خد ۱۷، ۱۲ تا ۱۹۷۹ - ۱۹۷۸ توسعه ما محاسبه شده است.

دوسوم کارگران موقت، کمتر از یکماه درسال به کار اشتغال دارند و نزدیک به یک چهارم زمین، زمینی که در اختیار دارند کمتر از یک هکتار است. این کشاورزان تا باریک عمراز سه متری، به فعالیتهای غیرکشاورزی، که گاه درآمد اصلیشان را تا ۳۰٪ می‌کند، روی آورده‌اند. بنابراین اگر می‌توانیم تعداد فعالان و اضافاً متخول به کار کشاورزی، بسیار کمتر از میزانی است که در جدول ۸ نشان داده می‌شود. جای شکستی نیست. توزیع جمعیت فعال در حال اشتغال، که ۶۵ درصد آن به بخش خصوصی تعلق دارد، به این ترتیب می‌تواند در سال ۱۹۹۷ به قرار زیر است:

جدول (۹)
توزیع جمعیت فعال کشاورزی

کشاورزان مستقل	۲۵۵۲۵۲	۲۷٪
کارگران دائمی کشاورزی (بخش خودگردان و بخش خصوصی)	۱۷۳۳۳۹	۲۵٪
کارگران موقت کشاورزی (بخش خودگردان و بخش خصوصی)	۱۱۲۵۲۱	۱۶/۵٪
اعضا تعاونیها	۷۵۵۹۶	۱۱/۹٪
سایر	۷۲۲۵۲	۱۰/۶٪

G. Murkin, 1999, p. 59.

واحد:

اگر تعداد کارگران خانوادگی را حذف کنیم، ۶۰۰ هزار زارع می‌زنند و با سایر کم‌زمن می‌توانستند (بسیار) در تئوری از "انقلاب آرمی" منتفع شوند. در واقع تعداد نایزدهای دریافت زمین، لزوماً کمتر از تعداد حقیقی بالقوه، منتفع شوندگان بود. اما میزان اشتغال ارائه شده، همسوز در این سوی وعده‌های سیاسی رسمی فرار دارد. این وعده‌ها، در چارچوب محدود انقلاب آرمی، نمی‌توانستند عملی شوند. در ۱۹۷۱ یک آرمی‌نشان می‌داد که به همت توزیع مجدد ۱/۵ میلیون هکتار از SAU توزیع شده به بهره‌بردارهای متوسط تا ۲۰ هکتاری، ایجاد خالص اشتغال فقط برای ۷۵ هزار از ۷۵ هزار متخول حادثه داشته است^{۲۱} به گفته "نشور انقلاب آرمی"، در مقام مقایسه تعداد بیشتری از زمین‌گرددگان مساحت کمتری را به دست آورده و میزان زمین بهره‌برداربهای متوسط از ۱۰ هکتار چندان تجاوز نمی‌کند....

۲- اگر نسبت اشتغال که ذخیره آن به آهستگی فزونی می‌یابد، نشانه پیشرفت اندکی است، با این حال این پیشرفت نباید تسمرات متفاوت نیروی کار تعاونیها و بزرگه‌کی‌ای را که میان عناصر سر مشکله آن وجود دارد، از دیده پنهان سازد.

در واقع «دهقانان فقیر»ی که با اولویت از دریافت زمین منتفع شده‌اند، عناصری کاملاً فزاینده‌ی شده‌اند: نزول نیروی کار با به «تیمت صوری و رسمی» (مالکین بسیار کوچک و فقیر) بستگی دارد، با به «تیمت واقعی» (کارگران عملی و دائمی تبدیل به بیرولتاریا شد)، و با به سبک رابطه اجتماعی پیش از سرمایه‌داری (مانند سیمرها). میان اعضای تعاونیها - به‌عمر زمین‌گیرندگان فردی - فقط سیمهرای قدیمی طرفداری چون و جرای «انقلاب ارضی» هستند وند این ترماور دارند که: «وصول به‌نظام تولید تعاونی با کسانی که مالک نیستند تحقق پذیر است به با کسانی که مالک هستند... (اتفاقاً «تولید تعاونی») به عنوان وسیله، پیشرفت به سوی - سرمایه‌داری بیشترین اهمیت را دارد.»^{۲۱} کسان دیگری که زمین گرفتند، شور و هیجان شدیدی از خود بروز می‌دهند که نتایجش، منوج فرساییده، چشم‌پوشی از زمینها و رها کردن آنهاست که در سال ۱۹۷۸ به اوج می‌رسد: ۱۲۵۵ نفر در سال ۱۹۷۳، ۸۵۷۵ نفر در سال ۱۹۷۵ و ۱۵۲۸۸ نفر در سال ۱۹۷۸.^{۲۲} وسعت این پدیده از این سال روبه کاهشش می‌گردد که البته با پیشرفت قابل توجه و انکادارهای فردی زمین بی‌ارسط است (بشکرده به‌معدل ۵).

۲- ضعف درآمد اجاره، اصلی‌ترین کمزوری است، چنان‌که در سال ۱۹۷۷ یک سوم خانوارهای ارضاء تعاونی درآمدی کمتر از حد تعیین شده برای دریافت زمین بودند که به میزان ۳۳ هزار دینار در سال تعیین شده بود. به رغم افزایش مادی در دهها سال که در سال ۱۹۸۱ تراش حد حداقل دستمزد در بخش صنایع تعیین شده - حاد به - نمود زندگی شهری - موجب مهاجرت شدید کشاورزان و روستاییان شده است. مسئله «دهقان ردامی از روستاهای اجاره، که توسط «ب. بودویو» بررسی شده است، در میان سبب جدید جوانان که متأسفانه اغلب تحصیل‌کرده‌تر و ارزشمندتر از سال پیش هستند، روبه افزایش است. همچنین نهاد کارگران بخش خودگردان، توسط سبب اعضای تعاونی بالا رفته که در توسعه سازمان تحصیلات و ارزش کار آنها نامشده است....

۲۱) محیط روستایی در حال واداده شدن است ؟

حقی به گفته مقامات مسئول، مرحله سوم اصلاحات ارضی - به‌عنوان «پایان بخشی داشتند - بازسازی و آمار مجدد عملیات قرار است در سال ۱۹۸۳ موزی بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر تاریخچه تصویب لایحه ملی نظام مربوطه، از زوش ۱۹۸۲ به بعد است!

فرار داد مراجع از دید کنترل ضعف دستگاه اداری پنهان می‌ماند، به طوری که تمرکز گله‌ها و ححق مربع همدان، به جای خود مانی است. تشکیل تعاونیها (۸۲ تعاونی دامداری مرکب از ۱۲۶۵ جوانان) جای پارانسان می‌دهد، و اجرای قانون دامداری به دست فراموشی سپرده شده است.

احداث «سدسیر» به منظور متوقف ساختن کویر، پیشرفت بسیار کندی دارد. جنگلکاری در زمینهای نابر و به‌طور کلی طرح توسعه جنگلها، به یک مرحله چهارم فرعی احاله شده است....

ساختن "هزار دهکده" سوسیالیستی". در برابر نیازهای روستاها به مسکن، سیاست حیثیت‌جویی پرهزینه و سست‌رئای است. اجرای طرح روستاها فراموش شده و تاکنون تنها یک چهارم برنامه‌نامم گرفته است.^{۲۲} بازتاب فقدان سیاست توسعه روستایی را در انواع مهاجرت می‌توان مشاهده کرد. مهاجرت، بیشترت سریع شهرکهای متوسط را تعدیه می‌کند. اما این شهرکها فقط به منزله گذرگاههای موقتی برای جوانان روستایی هستند که بزودی پس از واپس‌آوردن زمین، به قصد مناطق بزرگ‌جمعیتی، دهات خود را ترک می‌کنند. ما در شهرهای ساحلی که صنعتی شدن آنها به‌ویژه به معنای صرفه‌جویی در نیروی کار بوده و موجب توسعه کپرنشینها و حلسی آبادها شده است،^{۲۵} نمی‌توانند این موج‌فرزندهٔ نیروی کار را جذب کنند.

انطباق یا تفکیک سیاست

حیثیت‌گیری ظاهراً "رضیای و سادگرا و مفاخر اقدار دن" منشور انقلاب ارضی، که ملهم از دستگاه دولت بوده و به شدت توسط آن کنترل می‌شود، تنها موجب دگرگونی اجتماعی - سیاسی منبسطی شده است. سر به به مالکیت خصوصی که نتیجهٔ ترویج مجدد زمین است محدود مانده. چنان‌که ساعت زمینهای مصادره شده کمتر از نصف مجموع مساحت بخش تعاونی است. تحکیم نیروی کار مزدوری، اختلاف اجتماعی را در درون دهقانان و معوز زمین کارگران دامی و مولد، بیشتر می‌کند.

نتایج "انقلاب ارضی" در رسته‌های فنی و اقتصادی (ضد ماردی، عدم انتقال اراضی خرد به مالکی، حذف روستای رزای نامناسب که حاصل آن، بیشترت ناچیز تولید کشاورزی است)، نمایانگر نارساییها و ناتوانیهاست.

حک دولت به بخش تعاونی‌گران تمام می‌شود. این کمک قبل از هر چیز میزان بخش خصوصی انجام می‌گیرد. چرا که باری دولت به آن بخش، در رسته اعتبارات، کمکهای فنی، نیروی متخصص و ماشین‌آلات، از سال ۱۹۷۱ تقریباً به طور کامل به دست فراموشی سپرده شده است.^{۲۴} بیشترت ناچیزی که در سال ۱۹۷۷ حاصل شد، از ۱۹۸۵ دوباره مورد تأکید قرار می‌گیرد اما به هرحال آشکارا ناکامی است. برخورد دستگاه دولتی با بخش خصوصی نمایانگر نوعی انطباق است، که به‌ویژه در مورد رفیع محدودیت‌های قابل‌شده برای زمینهای آبی، افزایش اعتبارات و سهمیه‌بندی ماشین‌آلات^{۲۷} به چشم می‌خورد. با این همه، این انطباق به هیچ‌وجه به معنای بغیر حیثیت یا سبگیری محدود نیست. به علاوه، افزایش محسوس تعداد گزندگان مزدی زمین از سال ۱۹۷۹ نشان‌دهندهٔ نوعی نریش در شروط "انقلاب ارضی" است که این نریش به خدنه‌ای بر اصول آن وارد نمی‌کند.

- P. Adair, article in *Economie et Humanisme*, no 268. —۲۲
 J.C. Brulé/G. Mutin, article in *Maghreb-Mechrek*. —۲۵
 P. Adair, *Thèse*, P. 319-320. —۲۶
 S. Bedrani, article in *le monde* de 4-5 juillet 1982. —۲۷

مسئله توسعه جامع کشاورزی همچنان مطرح است. عدم انتقال زمین از این نظرگاهی مبنی است که اکنون دولت می‌کوشد آن را از میان بردارد. پس از تعویقها و تاخیرهای بسیار، نخستین مرحله بازسازی زمینهای که با نظام خودگردانی اداره می‌شوند آغاز شده که عمارت از مطالعات فنی در مورد انتقال اراضی است. اما مرحله دوم هنوز با مانع ساخته و پیشرفتی ارزش محدود بهره‌برداری مابین سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ واحد تولیدی منحرف شود و کسی نمی‌داند نتایج دست یازیدن به این فشار چیست.

انقلاب ارضی دوگامی تازه‌ای در کشاورزی ایجاد کرده است. کشاورزی‌ای که خود به دو بخش عمومی و خصوصی منقسم است که اولی را دولت به گونه‌ای گسترده زیر حمایت دارد و دومی را — مدون سازی داد و ستد سرمایه‌داری تجویز و تشویق می‌کند. و این سرنوشت دوگانه ناشی از همین حالت، گرچه کارکرد و وظیفه‌شناسی برای هر دو بخش قابل‌تعمیر است که عمارت است از افزایش تولید. با این همه، این نگرانی است که بردان در حال حاضر جز با اولیاتی که رسماً برای کشاورزی قابل‌تولید منظور

..... است

ارزش افزوده، کشاورزی از سال ۱۹۷۱ تاکنون با افتشهای ثابت، را کند مانده است. و بنا بر این سهم آن در تولید ناخالص داخلی رسماً کاهش می‌یابد. سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، در دو برنامه چهارساله نخست (۷۳-۱۹۷۰ و ۷۷-۱۹۷۴) از ۱۳/۵ درصد به ۷/۳ درصد کاهش یافته است! کشاورزی و آبیاری فقط ۱۱ درصد از بودجه ملی را می‌گیرند. این برنامه منجم را — که البته اجرای آن نیز به سختی و با اتکال سنگینی دارد — به عرصه اختصاص داده است. و به رحمت حدود یک سوم (۳۷ درصد) اعتبارات تخصیص داده شده به سرمایه‌گذاریهای کشاورزی در سال ۱۹۸۱ مورد استفاده قرار گرفته است. ^۳ گدین ترین، چینی می‌باشد که سیاست بشکن، برخلاف تعهدات و قولهای بر سر رود، همچنان ادامه خواهد یافت. می‌توان بیم داشت که در دوره، هدیدی که انحراف بر سفان نزدیک می‌شود، یعنی دوره، کاهش حجم درآمد نفت، و آبهای فراسد، کشاورزی مازهم فرسایشی شود. □

Tiers Monde, Janvier-Mars 1983.

Révolution africaine, no 940, no 952.

—۲۸

—۲۹ — A. Benachenhou, همان، صفحه‌های ۵۲، ۵۴، ۲۶۶. محاسباتی مابین تخمین بسیار متناهی منجر می‌شود.

S. Sedrani, Ibid